

تنهایی؛ از اختیار تا اجبار



سن مجرد قطعی یک فرد در تصور مردم ایران یعنی بالای ۴۰ سال برای دختر یا ۴۵ سال برای پسر، در حالی که در تعاریف جهانی، سن بالای ۴۹ سال به عنوان سن مجرد قطعی برای هر دو جنس تلقی می‌شود.

سن مجرد قطعی یک فرد در تصور مردم ایران یعنی بالای ۴۰ سال برای دختر یا ۴۵ سال برای پسر، در حالی که در تعاریف جهانی، سن بالای ۴۹ سال به عنوان سن مجرد قطعی برای هر دو جنس تلقی می‌شود. در کشور ما وقتی پسر و به ویژه دختری به مرز ۳۰ سال می‌رسد ناگهان همه شروع می‌کنند به گفتن اینکه چرا ازدواج نمی‌کنی یا نکنند برای همیشه مجرد باقی بمانی! در کنار شخصی بودن مساله ازدواج یا مجرد، باید گفت: مجرد بودن به خودی خود بد نیست. فارغ از اهمیت پیدا کردن زوج مناسب و درک مفهوم عشق و ازدواج که در همه سنن الهی و دینی بر آن تاکید شده، گاهی اوقات شرایط زندگی و موقعیت های مختلف فرد را در شرایطی قرار می‌دهد که به هر دلیلی نمی‌تواند ازدواج کند. در این شرایط دو نگاه وجود دارد: می‌توان تنهایی و مجرد را یک مشکل تلقی کرد یا همچون یکی از واقعیت‌های زندگی با آن کنار آمد و برای آن برنامه‌ریزی کرد.

به گزارش سلامت نیوز روزنامه آرمان در ادامه می‌نویسد: برخلاف تصور همه تعداد افرادی که در کشور هرگز ازدواج نکرده‌اند چندان زیاد نیست، ولی تعداد افرادی که در سن ازدواج قرار دارند ولی هنوز نتوانسته‌اند ازدواج کنند، زیاد است. از سوی دیگر، تعداد دختران و پسران ازدواج نکرده در سن ازدواج تقریباً برابر است. سال گذشته، علی‌اکبر محزون، مدیر کل دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی و مهاجرت سازمان ثبت احوال کشور گفت: بر اساس آمارهای پایگاه اطلاعات جمعیتی کشور ۱۵۲ هزار دختر و پسر هرگز ازدواج نکرده‌اند و به سن مجرد قطعی یعنی ۴۹ سال و بالاتر رسیده‌اند که از این تعداد ۶۲ هزار نفرشان مرد و ۹۰ هزار نفرشان خانم هستند. او آمار دختران و پسران در سن ازدواج را که هرگز ازدواج نکرده‌اند ۱۱ میلیون و ۲۴۰ هزار نفر اعلام کرد و گفت: پنج میلیون و ۵۷۰ هزار نفر از این افراد پسر و پنج میلیون و ۶۷۰ هزار نفر نیز دختر هستند.

واقعیت عربانی به نام تنهایی!

بررسی‌های علمی و آماری در سطح جهان نشان می‌دهد زنان مجرد از نظر ابتلا به بیماری و سبک زندگی سالم‌تر از مردان هستند در حالی که در مورد مردان ازدواج باعث می‌شود هم میزان ابتلای فرد به بیماری جسمانی کم شود و هم از بزهکاری‌های اخلاقی او تا حد زیادی جلوگیری شود. هرچند نمی‌توان گفت هر فرد مجردی لزوماً بزهکاری اخلاقی یا اجتماعی دارد، اما بر اساس آمارهای داخلی و جهانی تاهل فرد نیز رابطه زیادی با رفتارهای ضد عرفی و اجتماعی او دارد. عاصی، استاد دانشگاه علامه که نزدیک به ۶۲ سال سن دارد اما هرگز ازدواج نکرده تعبیر جالبی از تنهایی دارد. او در مورد مجرد قطعی می‌گوید: تنهایی مثل همه فرصت‌های زندگی دو انتخاب در مقابل تو قرار می‌دهد، می‌توانی با آن اوج بگیری و با تنهایی‌ات که در واقع فقط خودت در آن هستی به خدا و خالق هستی بررسی یا می‌توانی این تنهایی را همچون باتلاقی در مقابل خود دیده و هر روز در آن فرو روی. او در مورد افرادی که هرگز نمی‌توانند ازدواج کنند می‌گوید: در دو حالت یا تنهایی را انتخاب می‌کنی یا تنهایی به سراغت آمده و به تو تحمیل می‌شود. آنهایی که تنهایی را خودشان انتخاب می‌کنند به خوبی از پس آن برآمده و زندگی خوبی خواهند داشت، اما افرادی که تنهایی به آنها تحمیل می‌شود هیچ وقت نمی‌توانند با خلأ زندگی مشترک و تصویر رویایی که از آن خواهند داشت کنار بیایند و برای مثال از نداشتن فرزند لطمه می‌خورند. عاصی در تعریف تنهایی می‌گوید: تنهایی اصلی‌ترین و عریان‌ترین واقعیت این زندگی است، زیرا به هر حال در نهایت همه تنها هستیم. افرادی که نمی‌توانند در تنهایی با خودشان زندگی کنند افرادی هستند که از خودشان وحشت دارند و خودشان را دوست ندارند یا دوست داشتن خودشان را منوط به دوست داشته شدن توسط دیگری یا دیگران می‌دانند، در حالی که همه افرادی که نمی‌توانند تنها زندگی کنند با دیگران هم نمی‌توانند زندگی کنند و در زندگی مشترک هم عموماً به بن‌بست می‌رسند.

۳۰ سال فداکاری برای یک خانم

گاهی اوقات شرایط زندگی باعث می‌شود افراد نتوانند یا موفق نشوند زوج مناسب خود را پیدا کنند. افرادی که مشغولیات زندگی مانند درس خواندن یا مسئولیت نگهداری از والدین باعث شده از خودشان و پرداختن به نیازهای خود غافل شوند، از این دسته افراد هستند. این افراد نه ناسالم هستند و نه از هر نظر مشکلی دارند، بلکه ترجیح داده‌اند مسئولیت‌های زندگی را عمیقاً به دوش کشند؛ مسئولیت‌هایی که دیگران از زیر بار آن شانه خالی کرده‌اند. شهین عطایی دبیر باننشسته که هرگز ازدواج

نکرده دلیل تجرد قطعی‌اش را نگهداری از مادر سالمندی می‌داند که او و خواهر و برادرهایش را به تنهایی بزرگ کرده است. او مادرش را که سال گذشته مرحوم شده است هنوز خانم صدا می‌زند و می‌گوید: ما شش بچه ریز و درشت بودیم که من فرزند آخر هستم. وقتی من متولد شدم پدرم فوت کرد و از آن زمان مادرم مسئولیت همه ما را به عهده گرفت تا اینکه ما بزرگ شدیم و خانم روز به روز خمیده‌تر و زمین گیرتر شد. خانم نجفی می‌افزاید: برادرها و خواهرهایم هر کدام ازدواج کردند و دنبال زندگی خودشان رفتند و من ماندم و مادری تنها که اصلاً دلم نمی‌آمد رهاش کنم و خواهرها و برادرهایم هم در همه این سال‌ها در مورد ازدواج من سکوت کردند. او می‌گوید: خانم سال گذشته رفت و مرا در ۶۰ سالگی تنها گذاشت. تا ابد جای خالی او را حس می‌کنم و از اینکه جوانی‌ام را به پای مادرم گذاشتم راضیم. ۳۰ سال از زندگی‌ام برای مادری که عمری را به پایم گذاشت. خانم نجفی در مورد خلأ احتمالی نداشتن همسر و فرزند در زندگی‌اش می‌گوید: نمی‌توانم بگویم این کمبود را نداشتم، اما با عشق به مادرم و بعد هم برادرزاده‌هایم تا حد زیادی آن را برطرف کردم و خوشبختانه کمبودی ندارم.

مجرد ماندن یک حق کاملاً شخصی است

مجرد ماندن یا ازدواج کردن هر کسی می‌تواند دلایل شخصی مربوط به خودش را داشته باشد که شرط ادب این است که این سوالات را از کسی نپرسیم. در فرهنگ ما متأسفانه برخی افراد عادت دارند به هرکسی می‌رسند بی‌دلیل از او در مورد مسائل شخصی‌اش مانند ازدواج کردن یا نکردن، بچه‌دار شدن یا حتی چاق و لاغر شدن دیگران نظر می‌دهند، در حالی که در فرهنگ‌های دیگر این کار تجاوز به حریم شخصی تلقی شده و هیچ کسی اجازه ندارد حتی از نزدیکان خود چنین سوالاتی را که دخالت در زندگی فرد تلقی می‌شود مطرح کند. یک جامعه‌شناس و استاد دانشگاه با ذکر این مساله می‌افزاید: مفهوم مجرد ماندن هم مانند مفهوم ازدواج در جامعه ما دگرگون شده و به شکلی که در قبل مطرح بوده دیگر مطرح نیست. یافتن گزینه مناسب برای دختران مهم است و بدون اینکه گزینه مناسبی باشد حاضر به ازدواج نیستند، در حالی که در گذشته این‌گونه نبوده است. در کنار اینها دو سوم دانشجویان دختر هستند و این باعث می‌شود توسعه فکری حاصل شود و فرد حاضر نشود به هر انتخابی تن دهد. امیرمحمود حریرچی با بیان اینکه مشکلات اقتصادی هم در دیر ازدواج کردن جوانان موثر است، می‌گوید: با وام‌های ازدواج سه میلیونی و چهارصد هزار نفری که در انتظار این وام سه میلیونی هستند تا بانک‌ها اعتبار خرج کنند، کسی حاضر به ازدواج نمی‌شود. در ادامه این جامعه‌شناس به مشکلات موجود در فرایند آشنایی جوانان و ازدواج اشاره می‌کند و می‌افزاید: ارتباط سالم و آشنایی قبل از ازدواج باید در محیط خانواده‌ها باشد، اما در ایران خانواده‌ها با چشم و همچشمی‌ها در ازدواج جوانان بیشتر مشکل ایجاد کرده‌اند تا آسان‌سازی! برخی خانواده‌ها فقط در خرج و مخارج اولیه توافق می‌کنند، اما در همدلی و اصول اخلاقی و فکری هیچ توافقی صورت نمی‌گیرد و نتیجه آن هم خیل عظیم جدایی‌هاست، زیرا شناخت در سایه همدلی و تعامل ایجاد می‌شوند. حریرچی در مورد نگاه بد جامعه ما به افرادی که ازدواج نکرده‌اند می‌گوید: جامعه ما متأسفانه نسبت به مجردها نگاه بدی دارند و در مورد مجردهای دختر این نگاه بدتر از مجردهای پسر است، زیرا افکار عامه تصور می‌کنند دخترانی که ازدواج نکرده‌اند، پرتوقع هستند؛ برخی نمی‌خواهند قبول کنند ممکن است فرد به هر دلیلی نتواند یا نخواهد ازدواج کند.